

مشکلات جهت تشکیل حکومت وحدت ملی

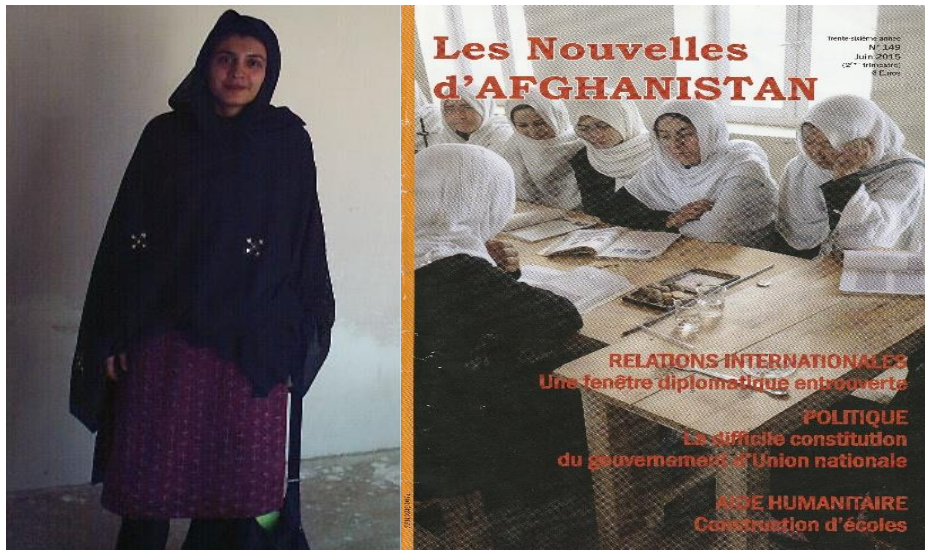
ترجمه از مجله نوویل دافغانستان، مجله انجمن دوستی فرانسه و افغانستان در پاریس

شماره ۱۴۹ جون ۲۰۱۵

مترجم: فریده نوری کمال، مادر زنده یاد مرجان

اعتراضات و جر و بحث ها بالای نتیجه دور دوم، انتخابات را به یک بحران برد که اثرات آن بالای دولتی که بعداً تشکیل می گردد منعکس گردید. خصوصاً در بخش های قضائی و مالی.

تحلیل و تجزیه این فصل نو در زندگی سیاسی افغان نشان دهنده یک حالت هرج و مرج در این سیستم است.



دلیل آن بر می گردد به زمان قبل از این بحران یعنی در وقت انتخابات و همچنان اسبابی که مانعی در راه احتمال اصلاحات می گردد، که عبارت اند از:

توافق های اقتصادی چند جانبه و مذاکره با مخالفین مسلح.

بعد از برگزاری انتخابات ۲۰۱۴، اعلان بازگشت قوای ناتو و کم شدن مهمات و اردوی امریکا می تواند دلیل بلند رفتن خشونت های مسلحانه مخالفین به صورت دسته جمعی یا گروهی باشد.

انتخابات در یک شرایط بی ثباتی مطلق که تضاد ها و مغایرت ها در سیستم سیاسی کشور تشدید گردیده بود برقرار شد و این حالت به جایی رسید که نشان دهنده یک بحران واقعی در سیستم سیاسی گردید.

البته عین حالت در وقت انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ که نتیجه آن باعث جر و بحث ها و مشاجره کاندید ناموفق انتخابات، یعنی عبدالله عبدالله رقیب رئیس جمهور کرزی شد و عین سناریو دوباره در سال ۲۰۱۴ تکرار گردید.

دو نیم ماه بعد از برقرار شدن دور دوم در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۴ بحران به وجود آمده ناشی از نتیجه انتخابات راه حل خود را توسط خلق نمودن یک کرسی ریاست اجرائیوی پیدا، و عبدالله عبدالله به حیث رئیس اجرائیه منصوب گردید.

اما حکومت اتحاد ملی به ریاست اشرف غنی به یک حالت فلج مطلق سیستم به کار آغاز و دوام آن نشان دهنده به خطر مواجه بودن سقوط احتمالی آنرا می کرد.

خلق نمودن چوکی ریاست اجرائیوی:

سوال راجع می گردد در مورد چوکی ریاست اجرائیوی

به وجود آوردن این پوست یا مقام باعث انتقادات زیاد گردید که یک تعداد انتقادات مربوط به دسته ای می شود که آنرا از یک طرف مغایر قانون اساسی دانسته و از جانب دیگر معادل به تقسیم قدرت بین دو شخص می دانند.

در حالیکه جر و بحث و مناظره تندی، اعضای پارلمان را در مورد این سوال طرف ساخته بود ما را به یاد لویه جرگه قانون اساسی می اندازد، که در آن وقت نیز بالای به وجود آمدن چوکی صدراعظمی جر و بحث های شدید بین اعضای لویه جرگه که وظیفه تحریر قانون اساسی را داشتند بسیار شدید شد.

و مخالفت بسیار تند و شدید بین دو گروه مخالف یکی طرفدار خلق نمودن چوکی صدراعظمی و دومی طرفدار یک سیستم ریاستی قوی، که بالاخره گروه دومی موفق شدند و استدلال شان بر این بود که تنها یک قدرت اجرائیوی قوی می تواند تعادل سیاسی را بر قرار کرده و از پراگندگی سیاسی و تکه تکه شدن سرزمینی که حالت موجوده آن نتیجه میراث از جنگ چندین ساله به وجود آمده جلوگیری می کند. دسته اول که موافق به بوجود آمدن یک سیستم فیدرالی و دسته دومی از یک سیستم سیاسی مرکزی قوی نزدیک به سیستمی که قبل از جنگ ها موجود بود دفاع می کردند.

در سال ۲۰۰۴ بحث و مذاکره بین مخالفین و رقبای سیاسی که ارتباط به بازی های قومی و نژادی می گیرد رنگ گرفت، که سبب مخالفت ها و تقسیم بندی طبقات مختلف سیاسی گردید.

در حقیقت اعضای شورای ملی که طرفدار یک سیستم سیاسی فیدرالی هستند اکثریت آنها اعضای اقلیت های قومی می باشند که وابسته به اتحاد شمال اند.



در صورتیکه دفاع از یک قدرت مرکزی قوی ارتباط می گیرد به یک گروپ پشتون های مقیم خارج از وطن، که اکثریت شان دارنده دیپلوم از ممالکی می باشند که در آن اقامت داشتند. و همچنان اکثریت آنها در مؤسسات بین المللی ایفای وظیفه و توانائی مسلکی کسب کرده اند.

مثال برجسته آن اشرف غنی است که بر علاوه دیگر وظایف در بانک جهانی ایفای وظیفه می نمود و دارنده دیپلوم از پوهنتون امریکائی بیروت می باشد.

در آغاز این مأمور بانک جهانی به حیث وزیر مالیه بین سال های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴، تقرر یافت و بعداً در سال ۲۰۰۴ به حیث رئیس پوهنتون کابل مقرر شد که تا سال ۲۰۰۶ به آن وظیفه اشتغال داشت.

رئیس جمهور اشرف غنی بعد از ۲۰۰۶ خود را از کرسی دور نموده و در سال ۲۰۰۶ وطن را ترک، و دوباره جهت انتخابات ۲۰۰۹ ریاست جمهوری به وطن برگشت.

بعداً برای مدتی سمت ریاست یک هیأت را به عهده داشت که جهت خلع سلاح شورشیانی که به صورت اختیاری از مخالفت مسلحانه علیه دولت دست کشیده و به مصالحه ملی پیوستند، فعالیت نماید.

در وقت مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۹ از طرز العمل کار رئیس جمهور کرسی انتقاد می کرد علی الخصوص مخالفت شدید جهت برگزیدن قوماندانان جنگ در پوست های مهم حکومت، مثال بر جسته آن عبدالرشید دوستم، که خودش نیز وی را در سال ۲۰۱۴ به صفت معاون ریاست جمهوری برگزید.

رئیس جمهور اشرف غنی و رئیس اجرائیه عبدالله عبدالله در سال ۲۰۰۴ نیز در دو طرف متضاد همدیگر واقع بودند البته که اولی مدافع یک سیستم ریاستی مرکزی قوی و دومی عضو برجسته اتحاد شمال نزدیک به احمد شاه مسعود، در زمانی که در سال ۱۹۹۶ طالبان قوت را به دست آوردند بودند و در کابینه دولت خارج از وطن به حیث وزیر خارجه ایفای وظیفه می کرد که بعداً از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۵ سمت وزیر خارجه را در جمهوری اسلامی افغانستان عهده دار بود.

تقسیم بندی سیاسی در سال ۲۰۱۴ بین قومیت های مختلف مطلقاً به طور مشخص تنظیم نگردید. جر و بحث ها در شورای ملی متوجه خلق نمودن ریاست اجرائیوی نبوده بلکه زیاد تر در مورد مداخله امریکا برای حل این قضیه خیلی داغ، و در بین اعتراض کنندگان این توافق نامه یا تفاهم نامه، که زیادتر اقلیت های قومی را در بر داشت که مثال برجسته آن رمضان بشر دوست است.

به صورت عمومی انتخابات سال ۲۰۱۴ یک حرکتی است که در آن بازی کنان صحنه سیاست افغان موفق شدند که از رو به رو شدن یا تقابل اقلیت ها جلوگیری کنند.

باوجود آن قراری که دیده شد خلق نمودن این پوست باعث کشمکش های خیلی شدید بین اعضای صحنه سیاسی افغان، دولت را به یک فلج مطلق برای انتخاب اعضای کابینه و تشکیل حکومت مواجه ساخت.

تشکیل کابینه

بالاخره بعد از مذاکرات، معاملات و گفت و گو های شدید در آخر ماه جنوری ۲۰۱۵ نزده عضو نامزد های وزارت خانه ها به ولسی جرگه معرفی گردید که تنها نه نفر آن رأی اعتماد به دست آوردند.

به تاریخ ۸ فبروری ۲۰۱۵ صد ها تن از هزاره ها مظاهره نمودند که مظاهره کنندگان از دشت برچی شروع و به دهمزنگ در غرب کابل در مقابل شورای ملی با دادن شعار های شدید، اعضای این شورا را به تبعیض نژادی متهم می نمودند. و ادعای شان این بود که اعضای شورای ملی همراهی رد رأی اعتماد به کاندید وزیر های قوم هزاره متهم به تبعیض نژادی می باشند و به این ترتیب تشکیل کابینه یک شکل قومی را به خود اختیار کرده است.

در نتیجه اینکه هیچ یک از کاندید های هزاره رأی اعتماد به دست نیاورد به تعبیر این قوم آنرا لطمه شدید به هویت قوم هزاره و اقلیت های قومی، و غیر عادلانه و غیر منصفانه دانستند.



و این بدین معنی است که مشکلات سیاسی، بالای تشکیل کابینه اثر داشته و این همه مشکلاتی که زمینه را برای تضادهای قومی مهیا می سازد ریشه خود را از دوباره به راه انداختن تضاد های قومی می گیرد.

ترکیب کابینه به استثنای وزارت دفاع در اخیر ماه

اپریل در حدود ۷ ماه بعد از شروع کار دولت وحدت ملی نهائی گردید.

شانزده نامزد وزیر که جهت تکمیل کابینه برای گرفتن رأی اعتماد به ولسی جرگه معرفی شدند این مرتبه همه رأی اعتماد کسب کردند و به تاریخ ۲۱ اپریل ۲۰۱۵ در حضور رئیس جمهور اشرف غنی و هر دو معاون ریاست جمهوری جنرال عبدالرشید دوستم و محمد سرور دانش و همچنان رئیس اجرائیه عبدالله عبدالله و معاون اولش محمد خان سوگند یاد کردند.

در هنگام مراسم تشریفات، هر دو سران قوه مجریه از خود اختلافی که چندین ماه یکی را بر علیه دیگر جهت نامیدن اعضای کابینه در تقابل قرار داده بود نشان ندادند.

لاکن رئیس جمهور واضحاً آرزوی خود را به لحن تمسخر آمیز اما شاکی برای وزرای کابینه اظهار کرد:

➤ شکایت رئیس جمهور از آنها که هیچ وقت به همراهی شان تماس تلفونی برقرار شده نمی تواند. و همچنین برای شان خاطر نشان کرد که انتخاب شان نباید باعث انحصار قدرت گردیده و از آن استفاده سوء نمایند. و از پذیرفتن گل های کاغذی جلوگیری نمایند. اشاره به گل هائی که بعد از بدست آوردن رأی اعتماد برای شان اعطا گردید.

مدت هفت ماه از تشکیل حکومت وحدت ملی گذشت و در این مدت نه تنها قادر به انتخاب و معرفی اعضای کابینه نشد بلکه نظر به موافقه ای که بین رئیس جمهور اشرف غنی و رئیس اجرائیه عبدالله عبدالله، یک تعداد از اهدافی که بین شان موافقه گردیده بود، برآورده سازند برآورده نشده با وجودی که این اهداف شرایطی بود جهت قانونی ساختن دولت و سیستم سیاسی.

این مقررات عبارت اند از:

➤ تغییرات و اصلاح قانون انتخابات

➤ انتخاب اشخاص بر اساس لیاقت برای چوکی های بلند رتبه

➤ گرفتن اهتمام برای تشکیل لویه جرگه تا به دو سال

➤ اصلاح قانون انتخابات وسیله ای است بر اینکه قانون از نظر قضائی شکل حقوقی و قانونی

بگیرید و همچنین وسیله ای است جهت تشکیل انتخابات شورای ملی، و تنها این اصلاحات می

تواند تضمین کننده برای موازنه قوه اجرائیه باشد.

نقطه دوم انتخاب اعضای بلند رتبه دولت به هدف تشکیل مؤسسات دولتی برای به وجود آمدن صلح و

ثبات و ادارات پاک و بدون فساد.

نامیدن مامورین بلند رتبه مثل والی های ولایات، ولسوال ها، قوماندان های پولیس، اهمیت بسزا دارد. زیرا سبب مشروعیت دادن ادارات دولتی گردیده و این ادارات می توانند به وظایف شان به درستی عمل نمایند. این چوکی های مامورین دولت در این مدت هفت ماه که دولت به حالت رکود درآمده بود توسط سرپرست ها اداره می شد.

این ادارات از شروع یعنی از سال ۲۰۰۲ به نسبت فساد گسترده اداری، رشوه خوری، و رابطه ها در اجراات خیلی ها ضعیف بودند.

جهت مشروعیت و قانونمند شدن ادارات دولتی در ولایات سازماندهی انتخابات قوه مقننه یا شورای ملی و لویه جرگه اهمیت به سزایی دارد.

نقطه سوم که عبارت از برقرار کردن لویه جرگه تا دو سال، از جمله موافقه نامه های ضروری برای قانونمند ساختن چوکی ریاست اجرائیوی بوده زیرا که خلق نمودن این کرسی توسط مصوبه و صادر نمودن حکم رئیس جمهور گرفته شده بود. دایر کردن لویه جرگه اجازه می دهد که پوست رئیس اجرائیه جنبه قانونی گرفته و به مقام صدراعظمی تبدیل، و در آن وظایف صدراعظم تعریف گردد.

تضاد ها و مخالفت های موجوده در سیستم سیاسی افغان نشان دهنده مانع برای مقررات که قبلاً موافقه شده بود، و این حالت عدم تحرک، سبب فلج دولت گردید.

این عدم تحرک نشان دهنده این که از نظر سیاسی هیچ چیز قابل مشاهده نیست، برعکس معاملات، مذاکرات و مبادلات شدید در جریان می باشد.

قسمی که قبلاً به آن اشاره شد رئیس جمهور در وقت مراسم رأی اعتماد وزراء در شورای ملی اشاره به تحفه گل های کاغذی و شبکه تلفون نمود.

مختل شدن اجراات سیستم سیاسی افغان

اختلال در عملکرد سیستم سیاسی افغان به ترتیبی که تحت ریاست رئیس جمهور کرزی عرض وجود کرده بود نشان دهنده یک فصل مهم در تاریخ جدید سیستم سیاسی و اجتماعی افغانستان است که تحلیل و تجزیه آن بالا تر از محدوده این مضمون می باشد.

با وجود آن اشاره به چند رویداد، اجازه این را به ما می دهد تا بعضی نقاط برجسته و قابل توجه که باعث مختل شدن وظیفوی این ساختار ها گردیده است اشاره، و نتیجه گیری نمائیم. در حقیقت دو عامل، مشکلات دولت را شرح داده می تواند:

از یک طرف نگهداری یک حالت رقابتی وخیم بعد از انتخابات، و از طرف دیگر از تاریخ داخل شدن به وظایف، اهمیت گرفتن روابط دو جانبه و چند جانبه اعضای کابینه در صحنه بین المللی.

در مورد نقطه اول، یک تعداد رویداد ها نشان دهنده تشنجی که باعث فلج دولت گردیده، منعکس کننده اختلال در زمینه قضائیه و سکتور های امنیتی و پولیس می باشد.

از شروع تشکیل و داخل شدن دولت وحدت ملی رئیس جمهور اشرف غنی از محاکم تقاضا کرد تا قضیه رسوائی کابل بانک را، که بر می گردد به تابستان ۲۰۱۰ تحقیق و عاملین آن را به پنجه قانون سپرده و محاکمه کنند. و همچنین اعلان تجدید ساختار دفتر لوی خارنوالی را صادر نمود.



لاکن این اهداف و گفت و گو به منظور اصلاحات، بعد از جر و بحث به سختی شروع به کار و به عمل گذاشته شد.

به تعقیب آن جهت انتقام جوئی، مشاور مالی رئیس جمهور عمر زاخیل وال را که در یک واقعه ارتشا و فساد که به یک قرارداد مواد نفتی ارتباط می گیرد مورد تحقیق و باز خواست قرار گرفت.

بر علاوه قرار اظهاراتی که از جانب یکی از متهمین قضیه محکمه نسبی، مربوط به سنگسار، قتل و سوختاندن یک دختر جوان در سرک های کابل در ماه مارچ، و همچنین توسط یک عضو پارلمان.

این اقامه دعوا نشان دهنده یک بازیست برای جلوگیری در مقصر یا متهم دانستن مسئولین عالی رتبه پولیس.

نقطه دوم قابل ذکر در تفرقه عبارت است از رهبری مذاکره و معامله همراهی مخالفین مسلح نظام.

و بالاخره دلیل دیگر نفاق و تفرقه خیلی ها بزرگ در ملاقات های متعدد با جامعه بین المللی جهت استخراج معادن و تفاهم قرارداد های اقتصادی چند جانبه.

پایان